

انگريزان و محمد علي خان نگر دم و از شمال التماس ميکنم که بحضور هر دو نواب اين اسباب را عرض کنيد و در شتي اباي مراد را عانت شان. سنان چرب و شيرين بر دلهاي ايشان نرم سازيد و نيز التماس ميکنم که از اين پس بتصریح کتابتي از شما بعمل نياید وليکن اگر بطريق رمز و اشارت بوساطت موشير قم از روداد آنجا اخبار صورت گيرد موجب خوشدلي من خواهد گرديد؛

دروانم بودن صورت حال لشکر و مملکت بر سهيل
 ايجاز دران زمان که افواج متفقه متوجه يورش
 کرناٹک بود؛

پس از آنکه نواب حيدر علي خان جزم کرده که بر سواحل کرناٹک با افواج متفقه فرود آيد هر گونه عزم و احتياط را در رخنه بندي هجوم اعادي از ديگر اطراف و جوانب بعمل آورد، و بصوابديد سپهدار فرانسيسي از اراده ساختن چيش از پيادگان فرنگستان که مطمع نظرش بود باز آمد زيرا که ببردن از حيزا مکان بود که آنمقدار از بين جماعه فراهم آورده شوند بنا بران رايش بر نيمعني قرار گرفت که تمامي سپاهيان فرنگستاني را در ميان هزاران ياور اگونان ياور ميان توپخانه در آورد بجز آنانکه منصبدار سپاهيان تاور و طوپاس

ساخته شدند و همین جمعیت از برای مقابله سپاه انگریزان مقرر کرده شده بود توپخانه لشکر حیدری بسیار بزرگ بود و افرادی اسباب جنگی بدان مرتبه که زنه از عینز امکان افواج فرنگستانی بیرون بود که همراه خود دارد؛

چون افواج لشکر هندوستانی همواره بنگاه گران میدارد که آنرا رنگادان و شتران برمی کشند و علاوه آن سوداگران و پیشه‌وران گوناگون همراه لشکر می باشند که ایشان بار برداران مختلف دارند نواب حیدر علی خان چنان حکم داده بود که تمامی این جانوران بارکش یک گوله توپ بپزند و عمده جوایدی آن بر مالکان شان متعلق باشد؛

جمعی از اراذل طبقات ناس که در هندوستان بسیار اند و اکثر بود و باش ایشان در لشکر که معموره ایست روان، نواب و الاجناب این طبقه را اجازت داده بود که پیر و افواج باشند و چوب و دیگر هر چیز ضروری که ایشان فراهم توانند آورد بر لشکر بیان بنزد کنند و جمعی کثیر از ایشان نوکر داشته شده بودند تا بکار هموار گردانیدن راه و منهدم ساختن حصار و نقب زدن و غیره پردازند و ایشان بسیار بکار آمد بودند در بر آوردن النگ ددمه و مورچال هنگام محاصره؛ هر گونه ساز و آلات توپخانه و غیره و تا گرفته شده بود تا هیچگونه تاخیر در طی طریق صورت نگیرد و با هر یک ضرب

توپ یک فیل همراه گردانیده؛ هر گردون بناز و سامان جنگی
کش دو صد لقمه باروت و گوله توپ و یشتاد و نه تخته بندوق
میبرد و هر یک قشون از سپاهیان تاور دو تا ضرب توپ
همراه داشت؛ و نواب و الافطرت در باره حراست و حمایت
امور مملکت خویش هیچ دقیقه فرونگذاشته بود تا در غیبت او
رخنه و فساد در آن راه نیابد؛

سبب مصالحه موقت که با جماعه مرهته کرده و عقده هواخواهی که با نظام
علی خان بسته از هر گونه خلیجان از طرف دشمنان بیرونی خود را
فارغ و آزاد ساخته بود مهتران قوم نائر را بروم خاصه شان
واسپرده بود بر آن شرط که خراج سالانه بسرکار چیدری رسانند
یا یکجا جمع کنند و تمامت افواج خود را از حدود ملیبار نزد خود طلبیده؛

• اینمعنی شایسته ملاحظه است که فیلان لشکر چه قدر بکار و مفید می باشند و بچه
شعور و هوشمندی کار خود را بانجام میرسانند هنگامیکه ضربی از توپ را بالای کوهچه
بایستی برو فیل که از پس آن می باشد آنرا بپای خود بر میدارند هنگامیکه نرگوان
از برای نفس راست کردن و امی ایستند و اگر ضربی را از بالا بپائین بایستی آورد فیل
آنرا بر سنی که در خرطومش می بندد از فرود افتادنش نگاه میدارند، اگر بار در جای
بند میگردد یا ضربی سرنگون می افتد یا در زمین محکم فرو می ماند فیل بیاریگری
نرگوان بطور شایسته می پردازد، یکی از منصبداران ثقه که در آنزمان میجر توپخانه
بود تقریر میکند که فیل را بچشم خود دیده، بمحلیکه توپی در رهگذار و امانده بود و نرگوان
با همه چوب و ضرب خوردن از بر کشیدنش سر بازه آنفیل تاب این تماشا نیاورده شاخی
از درخت شکسته نرگوان را آنچنان زد که آن کار افتادگی را به کار در آورد، هنگامیکه
توپ نزد مورچال آورده می شود فیل بی یاریگری بیرونی آنرا خودش در رخنه
گاهش می نهد؛

درین روزها ساخته ناگهانی که ز بهار متوقع حیدر علی خان بهادر نبود
 بظهور آمد که چون نواب موصوف از کوننبا تورا بهادر الملک
 سریرنگپن آمد چنان حالی او گردید که نندراج باغوا می ندیمان مفسدش
 پنهانی با مرهقه و انگریزان در ساخته نسبت بوی به سگالی را
 بنیاد نهاده است نندراج دران روزگار در میسور که قلعه ایست
 بر افت دو فرسنگ از سریرنگپتن و در میان آن بروم
 که جاگیر او مقرر شده بود اقامت داشت نواب حیدر علی خان
 باستکشاف این ماجرا بغایت پریشان خاطر گردید و خواست
 تا در آغاز آن ساخته کارش بانجام رساند و درخت فتنه را از بن
 بر کند پیش از آنکه ریشه دو اند بنا بران جاگیر سه لک هون
 سالانه که بطریق مدد معاش ذات راجه داده شده بود حالا قرق
 کرده شد با سچکس را بجز جاسوسان حیدری یارای آن نبود که
 درون دروازه های مشکوی راجه ترود نماید ؛ اکنون بر سر عرف
 مقصود باید شد ؛

چون تمامی اسباب دادوات جنگ آماده و ساخته گردید
 هر دو لشکر در حرکت آمد لشکر نواب نظام علی خان راه هسکوه
 پیش گرفت و نواب حیدر علی خان براه شهر منگلور
 کوچ کرد ؛

چون هر دو لشکر بقرب آن شهر رسیدند ظاهر آن را مضراب

خیام ساخت مجمع شورآمن عقد شد نواب بهالتجنگ و رکن الدوله
 و دیگر سپهداران و سرکردگان افواج شریک این کنکاش
 بودند آرای ارباب شورابریین متفق گردید که هر دو لشکر همواره
 جدا از یکدیگر کوچ کنند مگر بهمان دوری که از ان باعانت و امداد
 هم تواند پرداخت و در تمامی کارزار سهیم و یاور یکدیگر توانند بود
 و لشکر حیدری در کوچیدن مقدم باشد تا آن زمان که از کوهستان
 بگذرند چون در مملکت آرکات رسند دیگر بار باهم درین باب
 اندیشیده شود که ازین دو طریق کدام بغایت پسندیده
 است که باهم آمیخته طرح جنگ با عریفان اندازند یا جداگانه؛

در وانمودن اینکه آنچه داستان نگار از آثار پوردلی
 و تکابیر جنگی نواب حیدر علی خان بهادر وابسته
 حروب آینه می نگارد بچشم خودش مشاهده
 نموده بود؛

از بهر واضح گردانیدن عنوان و فطرت و کمالات حیدر علی خان بهادر
 وابسته شیوه جنگ و پیکار، دان نمودن گوناگون چالش و حصار
 و حرب و کارزار که نواب بنفس نفیس بدان اشتغال
 داشت شک نیست که خیلی مفید خواهد بود، خاصه دان نمودن
 خصوصیات آن کارزار که در میان نواب حیدر علی خان و جماعه

انگریزان صورت گرفته در اقمِ حروفِ پچشم سرشاهده کرده
 و پچگونگی آن نیکو بینی برده زیرا که نسبت بدیگر حروف که نواب
 موصوف با مورد وابسته آن قیام نموده درین نحو جنگ که او را
 با عریقان غالب در شیوه های کارزار و نیکو ماہر در ہنر و ورزش
 حرب و پیکار رود داده ہنر و کمال او بیشتر بمعرض ظهور رسیده ؛
 بر خصوصیات آن عرب و قتال کہ در میان نواب جیدر علی
 خان و جماعہ انگریزان مابین سال ۱۷۶۷ء و ۱۷۶۹ء واقع شدہ
 باسانی قیاس توان نمود حال آن جنگ کہ در سال ۱۷۷۹ء آغاز یدہ
 بود و مولف ادراک در ان حاضر نبوده ؛ و از ہمین جهت سرگذشت
 این عرب را بتفصیل بیان نمیکنم زیرا کہ سررشته روایات
 وابستہ این جنگ یکسر بانگریزان می پیوند و آن شبایستہ
 اعتماد نیست زیرا کہ این چنین روایات اولاً از راه تلمیح در
 ہندوستان از بہر فریفتن کار گزاران دولت بر طنیہ ساخته و پرداختہ
 و آنگاہ در فرنگستان بر حسب اقتضای حال و ضرورت منخرد
 گردانیدن مردم آنجا نظم و ترتیب داده میشوند ؛ آنچه درین خصوص
 رنگ راستی دارد ہمین مکتوب جنریل کوٹاست کہ بذریعہ
 آن براحوال نواب جیدر علی خان در ان زمان آگاہی بہم میرسانیم
 یعنی کہ جیدر علی خان بہادر خداوند کنگاش یا شور است ، و در نوامبر
 سال ۱۷۸۱ء در یک وقت چارقلعہ را تنگ محاصرہ نموده بود

و جنرل کو ط از مدد را اسس کوچ کرده تا محصوران آن بتقاع را با ذوقه
 یارگیری نماید، ولیکن چنانکه باستی بر اتمام آن مقصود توانا نگردیده،
 و دشواری دستیاب نمودن قوت لایموت از بهر لشکریان
 او را بران آورده که لشکر خود را بجوار مدد را اسس باز پس آورد؛ و در
 اثنای کوچ، افواج او بمواره از دستبرد سواران و آتشباری
 توپخانه حیدری اذیتها کشیده و رنجها دیده بود؛ و اگر چه میگوید که او
 در چهار جنگ مرد آزما که بانواب حیدر علی خان جنگیده فیروز گردیده
 ولیکن هیچ ذکر نمیکند که او درین جنگها اسیران یا نشان درایت
 حیدری را بدست آورده یا نه؛ و بر تمامت این ماجرا همین می فرزاید که
 او کرنیل کمر افورد را بحضور کونسل مدد را اسس میفرستد و او
 درست در است احوال اینجاعرض خواهد کرد؛ ازین مکتوب
 همین استنتاج نموده می شود که انگریزان در جنگ و جدال
 زاینده انواع دردسر و اختلال در امور حال و هراس سوء مال
 مبتلا گشته اند و این خود متوقع است که پیاریگری جماعه فرانسویس
 تمامت مملکت آرکانت بترتف نواب حیدر علی خان
 در آید؛

از درست اخبار که از لشکر نواب حیدر علی خان رسیده حال
 تسخیر چیتل درک و خصوصیات مجلس شور که پیش از
 و آمدن در آرکانت منعقد گردیده بود در یافته شد که در این خصوص

رایها زده شده بود که آیا حالی تاخت آوردن نواب ،
 برانگریزان قرین مصالحت است یا بعد از ورود افواج فرانسویس ،
 شق پسین پسندیده اصحاب شور آمد و نیز مقبول
 منصبه اران فرنگستان ، ولیکن رای طیپوساطان مخالف این
 آرا بود که او برین معنی اصرار داشت که چون نواب بسیار
 بنهیدید انگریزان بحمله دیورش آوردن پرداخته است اقتضای
 تمکین و ثباتش همین خواهد بود که از اقتضای آن باز نایستد ، طیپو
 سلطان بدان دلگرمی و مردانگی در پرورش این سخن کوشید
 که تمامی ارباب شورابادی همدستان گشتند ؛ همین شاهزاده
 اقبالمند در جنگ کوهستانی که دران کرنیل بیلی اسیر و فیچر
 صاحب کشته شدند و چند هزار کس از افواج انگریزی مقتول
 و اسیر گشتند ، پریشانی انگریزان بسبب پریدن
 عرابه های باروت مشاهده نموده با جماعه سوارانش برایشان
 چون قضای آسمان فروریخته مصدر فتح و فیروزی شده بود ؛ دهریست
 کلی آنچه نمود که قائدش کرنیل برالی بود نیز از آثار عزایم طیپوساطان
 است که مانند اسکندر رومی در سن هجده سالگی آغاز قهر اعدای
 و کسریوش و عساکر نموده در ساوک شاهراه آن پر دل نامدار بر سیل
 استمرار میاوشند از اوضاع او چنان می نماید که یکرود با آن یل
 کامگار هم در کار نامه مردی و مردانگی و هم در کثرت فتح و فیروزی

دم سادات و برابری خواهد زد؛ مادامیکه نواب حیدر علی خان را با فیلقوس متحد و یاری توانیم تشبیه دادن که آنچنان سپاه فراهم آورده بود که نیکو معین فتوحات فرزند ارجمندش گردید و تمامی ریاسات سرکش و غیور ممالک یونان را مغلوب و مقهور گردانید؛

در تبیان چگونگیهای ممالک و افواج نواب حیدر علی خان بهادر و هواخواهانش، و خصوصیات ممالک و جیوش جماعة انگریزان و هواخواهان شان در آن زمان که بنای جنگ و پرخاش در میان نهاده شد؛

اکنون بر سر عکایت حال باید شد و از آن جنگ و جدال روایت باید نمود که در میان سال ۱۷۶۷ و ۱۷۶۹ واقع شده و راقم ادراک مشاهده احوال آن بوده، این عرب و قتال که در صد و تبیین چلونیهای آن حالی می باشم در تواریخ هندوستان و آثار مردمان آن بهره ایست بغایت گرانمند که در آن مردم فرنگستان در هندوستان ادل بار از هندیان طالب صلح و آشتی شده اند؛ و پیش از روایت نمودن خصوصیات عرب و ضرب مناسبی نماید که بر مکتف و اقتدار و عدت پیاده و سوار فریقین جنگجو در آن جزو زمان که تلامی فزین متجادل روی نموده، بر سیل

اجمال اشمار کرده آید؛ ممالک مستقره نواب حیدر علی خان در سال ۱۷۶۷ هجری بمیکه بنای جنگ با انگریزان نهاده شد بدین تنصیل بود، مملکت میسور، و صوبه بنگلور که پیشتر ازین از مضافات مملکت میسور بود، و همگی آن خطط که بنام مالیتیم یا کرنا تک مشهور است در تمامی ادویه و جبال از انبوری و ترچناپلی تا مادورای، و تراونکور و سواحل ملیبار محتویست و شهر سیرا، و شانور و کرپه و کنول و مرزو بوم بالا پور، و ریاست کوچک بنگر، و کشگیری و مد هگیری و رنجنگر و غیره و مملکت کنره که محنت میگردد از راس رامه بسوی شمال تا سرحد بیجاپور؛ و حکومت سواحل ملیبار و جزائر مالدیوه؛ از عظیم مزایای ممالک نواب حیدر علی خان یکی این است که همگی صویجات و نواح و اقطاع این ممالک باهم متصل اند و پیوسته و آن سرحد قلمرو دولت حیدر علی که مجاور سرزمین حکومت انگریزیست بکوه سمان و داخل تنگبار مصئون و محروس؛ اگر روایت عامی در خور اعتبار باشد ممالک نامبرده بر آن مقدار از قلاع و درهای کلان و کوچک محتویست که عدت آن از هزار متجاوز می باشد؛ و آنچه بچشم مشاهده نموده شد می توانم گفت که بسیار است و در هر یک ازین درهای کلان و حصنهای حصین و دو گونه سپاه از بهر حمایت و حراست مقرر اند یکی سپاهیان لشکری که همواره بر سبیل تبادل در مقام ارتحال

و انتقال می باشند و زنهار و ریگجا تا مدت متمادی نمی پایند؛ و دیگر سپاهیان قلعه دار که در ریگجا اقامت میدارند و از حداد افواج خانگی اند و ژنهای کوچک را همین قسم سپاهیان حراست می کنند و بر تقدیر سnoch واقع حمایت طلب سکنه کوهستان سلاح میگیرند و خود را در قلاع می اندازند؛ و در حراست آن چنان بذل جهد و جانفشانی بکار می برند، که بدون محاصره شدید انفتاح آن دشوار می نماید ازین قلعهجات آنچه از بهر حمایت از تاخت جماع مرهقه ساخته شده بروج دارند و مخفوف اند بکنند و حصار و بسیاری از آن به پشته های سنگین استوار و مستحکم گردانیده؛ همه حصون واقع این ممالک نیکوتریم و اصلاح می یابند خاصه از آن زمانه که از آن دولت حیدری گردیده اند؛

در تمامی قلمرو این دولت برنج و دیگر چیزهای در بایست حیات و از هر گونه مواشی گاو و میش و گوسفند و فیل بکثرت پیدا می شوند اسب و اشتر اغلب در آن ممالک از دیگر کشور می آرند؛ و نواب حیدر علی خان حکم سلیقه حداد در خصوص استعمال زر بمحال شایسته، خیل خیل اسپان گزیده و حلقه حلقه فیلان پسندیده که جانداران بغایت سودمند و بکار آمد جنگ و پیکار اند در سرکار خود میدارد؛ علاوه اسپان و فیلان که در استعمال لشکریان و مردان کارزار ادعی باشند اینخنی یا گلک کابان

از اسپان قریب بیست هزار و حلقه از فیلان بقرب ششصد در
 و انت و چراگاه، همواره موجودی باشند تا بوقت حاجت کار
 بدرماندگی نکشند؛ و نصاب شایسته ازین جانداران نافع پیوسته
 حاضر و آماده بوده باشد؛ حیدر علی خان بهادر ز بهار در خریدن این جانوران
 که سوداگران از ممالک دور دور از نزد او می آرند، قصور نمیگرد
 و بحسب تو مندی و قوت اسپان قیمت میدهد اگر در
 اثنای راه یکی از اسپان شان بقضای الهی فوت میکرد دم
 و گوشش بریده پیشش نواب فلک جناب میبردند
 و حسب گفته سوداگران نصف قیمت اسب مرده
 از سرکار خود میداد بالای اینهمه اسباب و آلات جنگی این
 یک امر شایسته تر است که برافزاییم و آن وثوق نواب
 حیدر علی خان است بدینکه چون انگریزان افواج سواران
 بسیار کمتر دارند ز بهار برایین معنی یارا نخواهند داشت که سپاه
 او را از فراهم آوردن اذوقه و علوفه از اطراف ممالکتش مانع
 شوند؛ علاوه آن ذخیره موفور که موجود داشت محاصل سالانه
 خراج و باج ممالک محروسه، نواب را سرمایه استظهار بود
 در جنگهای متبادی اسراف طلب، درین سال ۱۷۶۷ع که
 ازان سخن میرانیم جنگی افواج حیدر علی خان بر شمرده شده بود و دو لک
 سوار و پیاده بودند؛ ولیکن چون بهره کبیر از سپاهش از برای

حراست و محافظت قلاع و ثغور و سرحدات ممالک متعین
 و منصوب بود سپاهیکه جیدر علی خان از بهر جنگ انگریزان
 خاص کرده بود پنجاه هزار یا پنجاه و پنج هزار بوده باشد از انجمه هر ده هزار
 سوار بود بر گزیده و چیده و قریب بیست و هشت هزار از ان
 سواران مرهقه و پنداره و غیره که کار ایشان همین سوختن و تاراج
 کردن ملک اعدای و بغارت بردن اساس و اسباب
 شکر و بنگاه ایشان می باشد؛ از میان پیادگان بیست هزار
 سپاهی تفنگچی بودند با پانزده هزار تفنگهای عمده، و دیگر پیادگان
 کرناکلی و تنجادری (که بنام کالیر و خصوصاً خوانده می شوند) و غیره که
 سلاح ایشان بنندوق و ژوپین بوده؛ عدت سپاهیان فرنگ هزار
 و هفتصد و پنجاه میر رسید از اینان دو رساله از سواران بود و دوصد
 و پنجاه توپچی یا گوله انداز و دیگر منصبداران و تومنداران و عملداران
 یا حوالداران بر قشون گران قیلان یا تاوران و دیگر سپاه
 توزیع نموده شده؛

دیگر جیشی بود از سپاهیان با آنگونه سلاح که در فرنگستان
 حالامعارف نیست قریب دو هزار نفر جفت جفت بالای
 شتران نیز تنگ بر نشسته هر یک با تفنگهای طوفانی نال که
 گوله کلان از ان بر مسافت بسیار دور انداخته میشود؛ و طائفه دیگر
 انداز تفنگچیان قدر انداز که پیرد سواران می باشند و سپاهینگام

در کمینگاهی پنهان می گردند تا بر افواج اعادی کمین کشایند و از گلوله های
 سیخ طاعن جمعیت سواران شان پاک سوزند و این جماعه از افواج
 تفنگچی آیین پروانگی خاص دارند که در میان هر ده نفر از ایشان نشانی
 یا بیرقی می باشد و این کثرت نشان، همانا یکی از تدابیر جنگ
 است تا بر دشمنان از کثرت رایات انبوهی جیوش متخیل
 گردد و این سپاه کهنه و قدیم است، و قریب دو هزار نفر بان
 بردار اند، و آن انبوه ایست آهنین چوبی در از بران تعبیه کرده
 و این بانها بزرگ و کوچک می باشند و تا هزار گز تنگ و ناز یا
 مسافت پرواز ایشانست بعضی ازین بانها پنجمی ساخته
 میشوند که بعد از آتش گرفتن می شکنند، و بعضی را هوا نیکو ش تعل
 می سازد و در آشنای پرواز بر هر تر و خشکی که میرسند آتش میزنند؛
 و گاهی مصدر سفید عظیم در افواج اعادی می افتند با آتش زدن در
 عراقه های باروت؛ و نیز از هر آتش زدن در شهر و ده اعادی که
 در آن ذخیره باروت است خیلی مفید؛ در جمعیت سواران
 بوسیله آن با آسانی سنگ تفرقه توان انداخت چه بانها

• روایتی است از بعضی انگریزان که در جنگ کرهستانی (که مشهور بجنگ بیلپی
 است و دران نواب حیدرعلیخان بر کرنیل بیلپی و فیلیچر فیروز منده شده بود) بانای در
 عراقه باروت افتاده و آنرا پاک بسوخته و شعله آن دردیگردد و عراقه افتاده آنرا یکسر خاک
 و خاکستر گردانیده و بدین واقعه هایل انگریزان هزیمت خوردند زیرا که طیب و سلطان فرصت
 وقت را از دست نداده با جمعیت سوارانش بر پیادگان انگریزی که جمعیت ایشان بدین
 نازله برهم خورده بودند افتاد و بازی برد؛

که در خوا فرا سپان می افتند از آن شعله های آتش بلند می گردد
 و اسپان میگردزند و چون می شکنند مصدر آزار و زیان عظیم
 میگردند، بسا هنگام سپاه انگریزی نیز استعمال بان میگردند و در
 جماعه سواران نواب حیدر علی خان می انداختند و لیکن چون
 اسپان ایشان با آتش بازی خو کرده بودند، بجای سهرزه گشتن
 دلیرانه بسوی ایشان می شتافتند؛

پیشتر که روانه شدن اقواج حیدری بجنک انگریزان جماعه
 از اعراب که سلاح شان تیر و کمان بود و در دهن برنگپتن گردیدند،
 این مردم کامل النحاقه قوی اندام و چست و چابک بودند، ولیکن
 چون نواب حیدر علی خان نمیدانست که سلاح ایشان در جنگی
 که او در پیش داشت متج ثمری خواهد گردید؛ ایشان را در بهره
 ساخته بهره زار خست سرخ پوشانیده ملازم رکاب خود گردانیده
 و دیگر بهره را بلباس کبود متلبس ساخته حواله منصبدار فوج فرنگستان
 نمود تا بهره که او مصاحت بیند ایشان را بکار دارد؛ این گروه اعراب
 در شیوه کمانداری نیکو ماهر و قادر بودند تیر و کمان ایشان کلان و بسیار
 مزین بارنگ و نگار؛

اما جیوش نواب نظام الدوله صوبه دار دکن و فرمانفرمای گوکنده
 و غیره (که درین جنگ بانواب حیدر علی خان همدستان بود،
 و در ظاهر از هوا خوانان) اگر چه شمار آن بصد هزار کرده میشد ولیکن

از انبیا همین جهل هزار مرد جنگی بود و بس، که از ان سسی
 هزار سوار بود و ده هزار پیاده، و ازین ده هزار شاید دو هزار هم بند و قبی
 نبود و دیگران از انگونه بندوق داشتند که در هندوستان آن را
 لکپاش میگویند؛ مگر قائد افواج پیادگان مردی بود پر دل
 عبدالرحمان خان نام که ادا از بد حالی و تهی دستی فوج خود که تتخواه
 ایشان موافق ضابطه ادا کرده نمیشد نیکو آگاه بود؛

جنود سواران در کرد فر خود نمائی نسبت بکار جنگ بسیار
 بهتر بودند و ز بهار نمیخواستند که جان و مال خود را در روز جنگ
 بمعرض خطر در آرند، هر سردار با استقلال مالک رساله خود بود؛

این سرداران افواج، حاکمان ذوالاقتدار خطه های دکن بودند یکی
 رام چندر سردار مرهتته و کس نواب از قوم افغانان شانور و کرپه
 و کانور؛ همراه لشکر شری عظیم بود از اهل حرفه و تجار و حشم
 و خدم امیران لشکر و زنان طایفه دار و غیره؛ حوزه معسکر بضمیر
 ایشان نیکو وسیع و فراخ گردیده بود بمشابه که اگر تجربه و دقیق نواب
 حیدر علی خان در میان نبودی باسانی شکار سپاه انگریزی گشتی؛

افواج صوبه دار دکن اگر چه در کار جنگ و پیکار مستج ثری شایسته
 نبود ولیکن در عزت و اعتبار نواب حیدر علی خان خیلی کارگر
 پنداشته میشد؛ و بسپاری امیران دکن را بهوا خواهی نواب
 موصوف در آورده بود؛ ولیکن از رهگذر بدگمانی بجاکه حیدر علی خان

سبب برکن آمدن دولت و نظام علی خان خودش داشت همواره در
مقام حرم و احتیاطی بود و از نتایج خرد و بیوفائی شان که در حق او
از شکست فاشش بتر بودی بر مجتنب می زیست ؛
آثار خنکی و سرد مهری در میان هردو امیر بزودی پیدا گردید ،
ازین جهت که نظام علی خان و سردارانش همواره اظهار ناداری
می نمودند ، و حیدر علی خان بحکم خویشتن داری و نظر بسراجم کار
برگماری نمیخواست که مکرر در خواستههای ایشان را دابسته
زیر قبول تاقی کند مبادا که بدینوسیله زر و هوا خوانان خود هر دو را
از دست دهد ، و این معنی عنقریب پیدا خواهد گردید که تمامی
هممندان از توافق و همداستانی سر پیچیده از یکدیگر متفرق شدند ؛
افواج متفقه بزرگ توپخانه داشت که یکصد و ده ضرب از توپهای
کلان در وی بود توپخانه حیدر علی خان خودش بزرگ بود ، و نسبت
به بگرتوپخانه بمزید ساز و سامان آراسته توپچیاننش مردم فرنگ
بودند ؛ نیز نواب حیدر علی خان درین جنگ جیش کوچکی را
که از شش هزار کس وجود پذیرفته و از سواحل ملیبار بازگشته
بکار داشته بود ، و زمام قیادت این جماعه بدست محفوظ خان
و اسپرده ؛ اگر چه محفوظ خان مردی بود که نواب حیدر علی خان نیکو
میدانست که هیچگونه استحقاق سر لشکری نداشت ولیکن
می پنداشت که او برین معنی قدرت میدارد که مردم مدد را که

پیش ازین او برایشان فرمانروائی داشت بر حاکم حال عاصی
گرداند؛ بهر صورت محفوظان در سلیقه سرشکری از قدیم الایام
بنی نصیب بوده زیرا که کرنیل یک جرمنی که بملازمت انگریزان
می پرداخت یکبار در مقابله محفوظان خود را چنان و انموده که او از
پیش وی گریخت و بدینمط عشو داده و او را در مرکز بی بهره
در کشیده بکام دل اسیر گردانید؛

حلقه جهازات حیدر علی خان را از جمله افواجش نمی شماریم،
چه درین حلقه همین یک جهاز که از قوم دانس خریده شدت
توپگی بود و سی جهاز بیست و چهار یاسی و دو توپگی و هفت
یا هشت آنگونه سفینه که آنرا پام می خوانند، هر یک ازین سفینه
دوازده و چارده توپ می داشت و قریب بیست آنگونه
سفینه که بنام کالیوط خوانده می شوند هر یک ازان هشتاد و دو
توپ می داشت این بود جمعیت افواج دریائی نواب حیدر علی
خان، در آغاز جنگ با انگریزان؛

افواج انگریزان دران هنگام در هندوستان از نو د هزار بیشتر
بوده، از انجمله هشت ریمپ از پیادگان انگریزی سه ازان
متعین ریاست مدراس و سه ازان بر ریاست بنگاله
و دو بر ریاست بنی، علاوه این دوازده صد توپچی پاشیده
بر ریاستهای مذکوره یک هزار سپاهی سن یا ناتوان که در جنگ

وجدال بدیشان آفتی رشیده از بهر حراست قلاع و حصون مختلف
 متعین بودند افواج هندی شصت و چهار پلتن از انجماه سی ریمینط
 متعین مملکت مدراس بود، و نصاب سواران افواج انگریزی
 چهار هزار میرسید که از انجماه دو از ده صد متعین ریاست مدراس
 بودند، از ان میان قریب چار صد فرنگستانی و باقی همه هندوستانی؛
 جنرل اسمتھ پس از داگذاشتن جماعتی از افواج به حفاظت
 قلاع، در زیر فرمانش پنجاه هزار مرد جنگی از مردم فرنگ داشت
 و دو هزار و پانصد سپاهی و دو هزار و پانصد سوار که در ان دو صد کس
 از مردم فرنگستان بودند و دوازده صد هندوستانی، و جنود باقی
 جنرل اسمتھ شتمن بود بر سواران نواب محمد علی خان نصاب
 این سواران بسیار کمتر بود نسبت بسواران حیدر علی خان
 هم در کمیت و هم در کیفیت چه اینان از رهگذر فقدان مشق
 و ورزش آداب جنگ و ناشایستگی اسپان یکسر
 یارای آن نداشتند که مقابل سواران حیدری گردند،
 القهه شمار تمامی افواج انگریزی که از بهر حمایت و حراست
 آرکات فراهم آورده شده با ضمیر جنود محمد علی خان و مراد مرهه
 و بعضی راجگان آنچه در به پنجاه هزار میرسید، نواب حیدر علی خان را
 درین میان ضرورت افتاد که خودش متوجه مدافعه آن هشت هزار
 سپاه انگریزی که از ریاست بنی برمنگلو ریاست آورده بودند شود؛

مزایای خاصه سپاه طرفین و تفاوت فیما بین

جنرل اسمتھ ازین جهت بر عریف خود بالائی داشت که سپاهش در آداب رزم و پیکار آزموده کار بود؛ و جمعی کثیر از افواج او فرنگستانیان بودند و میتوانستند که برد و ازده لگ سپاه هندوستانی برزند و مظفر گردند چنانچه در آن جنگ که در میان نادر شاه ایرانی و محمد شاه هندوستانی واقع شده بود و نادر شاه با شستی از سپاه ایران دوازده لگ سپاه هندوستان را بشکست القه جنرل اسمتھ توپچیان و منصبداران و انجنیران از هر جنس از بهر یاریگری خود می داشت؛ و خودش نسبت به نواب حیدر علی خان در هنر جنگ و پیکار کمتر نبوده؛ با آنکه اسباب بالائی و دو چند عدد تفنگهای چغاقی نسبت بآن حیدر علی خان او را مرتبه یقین حاصل بود که در هر گونه عرب و پیکار بدان شرط که محل برگزیده ادا از بهر جنگ از ناخت سواران حیدری ایمن تواند بود فتح و فیروزی بجانب او خواهد بود؛ ولیکن در خصوصیات آینده نسبت بآن حیدر علی خان بهادر مروج بوده اول قلت جمعیت سواران او که او را بر سبیل اضطراب بران میداشت که تا توان مقام جنگ در میان کوستان برگزیند تا از سطوت

سواران حیدری ایمن بوده باشد، دوم عدم اقتدار ادر بر بازداشتن سواران حیدری از تاراج کردن ملک و زدن راه سپاهیان نگاهبان رسد؛ سیوم دشواری بهر سائیدن مقدار کافی از نرگادان بار بردار از بهر حمل و نقل توپخانه و سامان جنگ؛ کار این دشواری بدان درجه رسیده بود که ادر بر سبیل اضطراب از میان توپخانه خود سبکمایه بهره همراه خود گرفته و از اذوقه و اسباب ضروری بر اقل قلیل از آنچه در بایست بود قناعت کرده ولیکن بغایت سخت در دسر که ادر ابا یستی کشید این بود که در هر گونه مهمات جنگ ادر اطاعت فرمان گور زرد اس و کونسلدانش بایستی نمود و بمحض نادانی ایشان از افواج حیدری و ناواقفی شان از خصوصیات آنمملکت آنچنان احکام بجنریل موصوف میفرستادند که یکسر بمابین صوابدید او و مخالف اصول مقرره جنگ و پیکار بودی؛ تا بدان غایت که بسرزنش و ملام او مبادرت می نمودند از بهر آن تاخت و تاراج که نواب حیدر علی خان مصدر آن می شد اگر چه پیشتر از آغاز جنگ، او از ینگونه مفاسد خبر داده بود؛ و چون مطمین نظر ایشان در هر گونه کار فراهم آوردن زر بوده، بوسیله مستاجران که با ایشان سازش داشتند در باره اعداد اذوقه و ساز و سامان شکر میکشیدند و دیدهان اینکه اسباب ناگزیر شکری بهم میرسانند بر ساکنان مدراس طریق

بدعت های غریب و موذی را سلوک میداشتند ؛
 اگر چه بالا گفته شده که جنریل استمه از بهر تسخیر چند موضع
 در قلمرو نواب حیدر علی خان روانه شده خصوصیات کارهای او را
 هنوز یاد نکرده ایم زیرا که میخواهیم که تمامی اعمال و کارهای جنگی این
 رزم و پیکار اهتمام طلب را در یک روایت سلسله بند
 و انمائیم ؛ در آن زمان که نواب حیدر علی خان در صد و اعداد
 اسباب جنگ و توثیق عهد و پیمان با امیران همعهد بود
 سپهسالار انگریزی قلعه ترپاتورو و انبار آبی و سنگوسن را
 که هر یک ازین قلاع ساز و سامان حمایت و عراست

از بهر تباهی ملک دربارۀ اعداد ساز و سامان سپاه دو تا حیلت جدید ایجاد نموده
 بودند یکی وابسته توظیف سپاهیان بشراب ، چنان مقرر کرده که بجای وظیفه دادن
 ایشان بدانگونه شراب که در آن سرزوبوم بکثرت یافتند می شد ایشان را رم باید داد و چون
 این رم از جزیره بیطاروی آورده خواهد شد ذریعه معقول از بهر منافع تاجران که
 جز اخوان شان نبودند آماده کرده باشند ؛ دیگر وابسته چار پایان ناگزیر بار کشتی لشکر ؛
 چون هیچکس از رعایای مدراس نمیخواست که نرگوان خود را از بهر کشیدن توپخانه
 و غیره بدهد ، از آنساکین بزور نرگوانرا میگرفتند و بجای او دادن اثمان شان شش یا
 هشت هون فی راس که قیمت واقعی ایشانست آنها را بطریق کرایه ماهیانه یک
 هون میگرفتند و در آخر ماه نخستین یک هون بمالکش میدادند ولیکن در اخیر ماه
 دوم میگرفتند که نرگوش مرد ؛ این نرگوان که بدین روش از مالکان دستیاب ساخته
 می شد ، در دفتر اخراجات کنونی آنها چنان ثبت می کردند که بقیمت کامل
 خریده شده بدین حیلت یک نرگاو بیک هون می افتاد اگر مالکش همراه نرگاو خود
 از بهر حفاظت چاکری میفرستاد او را بایستی که پنجره و پیده ماهیانه بچاکر بدهد
 درینصورت یک و نیمرو پیده خساره مالکش میگردد بدینگونه عمل بوم و بر مدراس
 یکسر از مواشی بی بهره گردید ؛ و در آخر نتیجه آن این بود که انتقال و احمال ضروری
 لشکری را بجای نرگوان مردم می بردند ؛

چنانچه باید نداشتند بدون مجاهده بسیار شمر ف خود را آورد؛ او
 کبیر پیتن را نیز گرفت و نیز کشنگیری را محاصره کرد چون این قلعه
 ایست بالای کوچی پس از دو بار حمله از محاصره دست برداشت
 در پسین حمله بیست و چهار نفر از جوانان تاورش کشته شدند
 علاوه دیگر سپاهیان؛ و هنگام محاصره این قلعه افواج متفقہ نواب
 حیدر علی خان و نظام علی خان بقصد اعادی در جنبش آمد، نواب
 حیدر علی خان بدان شتاب کوچ کرد که اخیر روز دوم بدان مقام که
 بر چهار فرسنگی از کوهستان بود رسید در برابر راه دیلور که
 میکشاید بقرب چار فرسنگ از کبیر پیتن که شهر است باقلعه که
 بر لب رود پالر هفت فرسنگ از راه کشنگیری واقع است
 جنریل اسمتھ از خیر روانگی افواج متفقہ از بنگلور بزودی بوسیله
 جاسوسان و بذریعہ خفیہ مخبران که در لشکر نظام علی خان
 موظف داشت آگاه گردیده از محاصره کشنگیری دست برداشته
 آن مقام را مستر خود گردانید که از ان، راه دیلور را از عبور
 اعادی نیک حمایت تواند نمود و این تدبیر از و بغایت
 قرین قیاس بود چون همان یکراه بود و بس که از ان توپخانه
 توانستی گذشت؛ و ازینرو که لشکرش در مرکزی بهره بود
 و کبیر پیتن عقب آن، او در انجا اختیار شایسته داشت
 که از ان هم حمایت آن راه که حیدر علی خان از ان میگذاشت

توانستی برداخت و هم هنگام ضرورت از آن صحیح و سالم
کناره گزید؛

درین مقام نواب حیدر علی خان مجلسی از امیران و منصبداران که
رکن الدوله یکی از ایشان بود از بهر شور و منقده گردانید تا با اتفاق مبرهن
گرداند که کدام یک ازین راه های سه گانه که در پیش داشت
شایسته برگزینش بوده و نقشه هر سه راه را که تمامی خصوصیات طرق
بران مرسوم بود در پیش ایشان نهاد تا هر یک بملاحظه آن
برتر جمع دادن یکی از آن توانا گرد آورد آرای اصحاب شور را برین معنی
اتفاق کرد که چون راه ویلور سپاه انگریزی در گرفته است و بضبط
و حراست آن اشتغال دارد راه کشنگیری لایق گذار توپخانه فی،
همین سیوم راه ینگتگیری قابل گذار افواج است نواب
حیدر علی خان بهادر بر حسب قرار داد سپاه هر اول از میان
شکر خود ساخته مقدمه جیوش منقده گردانید؛ و فرمان داد که هنگام
دو ساعت صباحی یک رده بسته جریده کوچ کنند و همه
اسباب را در شکرگاه و گذارند کرنا تکپان و دیگر جنود پیش رو
این رده بودند و پس ایشان سپاهیان بدین وضع که پیش
هر یک قشون جمعیتی از تاوران بود و پس آن رساله سواران
و از پس آن توپخانه که قائد آن دو هزار بند و قچی و تاوران و گوله
اند از آن فرنگ بودند و در عقب همه دو رساله از سواران

فرنگستان که خاتمه آن افواج بود؛ و نواب حیدر علی خان با دو هزار
 سوار خوتخوار بر جناح راست آن رده روانه گردید؛ افواج انگریزی
 ازین نظم و نسق کوچ آگاه گشته از بهر مقابله حیدر علی خان بهادر
 و شرف در آوردن ین گنگیری بیشتر از وی روانه گردید؛
 ولیکن بر حسب منصوبه جدید نواب والا جناب سپاهیان
 فرنگ و تادوران جماعه طوپاس و در پی آن توپخانه و دیگر پیادگان
 بسوی دست راست باز گشتند و با غایت سرعت متوجه
 راه ویلور گردیدند؛ این چالش نزد انگریزان نامتوقع بود؛
 این مخالطه نیک سرانجام پذیر گردید سواران از آن راه که دراز و تنگ
 و هموار بود سرعت تمام در گذشتند؛ پس ایشان توپچیان
 فرنگی و تادوران تفنگچی یا طوپاس با کمال تعجیل بشناختند اگر چه
 ایشان بزودی تمام چار فرسنگ راه طی کرده بودند جنریل اسمت
 احتیاط و هوشیاری را کار فرموده لختی از پیادگان نواب محمد علی
 خان و جماعتی از سواران هندوستانی را در مدخل این راه
 وا گذاشته بود؛ ولیکن رساله از سواران حیدری از راه تنگ
 بار کشنگیری در گذشته در میدان نمایان شدند و سپاه قلعه دار پیرو
 ایشان گردیدند؛ انگریزان جنود خود را در هماجا گذاشته بشتاب تر
 بسوی کبیر پتن روانه شدند همان ساعت که سر کرده
 سپاهیان فرنگ بود خان رحاله دار را دید که خود پیش